

The Assessment of Psychometric Properties of the Persian Version of Hemispheric Preference Test

Jafar Hasani*

Clinical Psychology Department, Kharazmi University, Tehran, Iran

Article Info:

Received: 5 Apr 2016

Accepted: 16 Jun 2016

ABSTRACT

Introduction: The hemispheric lateralization of certain faculties in the human brain has benefits for various daily functioning. The aim of present study was to develop a Persian version of hemispheric preference test and to examine its psychometric properties. **Materials and Methods:** Persian version of hemispheric preference test was prepared and its psychometric properties were examined in two independent studies. In the first study, 80 students (50 females, 30 males) and in the second study, 500 students (323 females, 177 males) were selected using multi-stage cluster random sampling. The reliability of the Persian version of hemispheric preference test was assessed via Cronbach's alpha test-retest as well as item-rest correlations and its validity was assessed via confirmatory factor analysis and criterion validity. **Results:** Cronbach's alpha coefficients range (0.74- 0.88) and item-rest correlations range (0.41-0.70) according to sex variable and test-retest coefficients (0.67- 0.73) suggested that the scale has a good reliability. The results of confirmatory factor analysis indicated acceptable fitness with original two factors scale. Furthermore, the model of criterion validity coefficients showed a good validity. **Conclusion:** In sum, the Persian version of hemispheric preference test is a reliable and valid instrument for neuropsychological, research screening, diagnostic, and therapeutic investigations.

Key words:

1. Dominance, Cerebral
2. Psychometrics
3. Brain

*Corresponding Author: Jafar Hasani

E-mail: hasanimehr57@yahoo.com

doi: 10.18869/acadpub.shefa.5.1.1

بررسی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای

جعفر حسنی*

گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله:

تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۷ فرودین ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: جانبی شدن نیمکره‌ای توانایی‌های مشخص در مغز انسان دارای فوایدی برای عملکرد متفاوت روزانه است. هدف از مطالعه حاضر توسعه یک نسخه فارسی از آزمون ترجیح نیمکره‌ای و بررسی خصوصیات روانسنجی آن بود. **مواد و روش‌ها:** نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای فراهم شد و خصوصیات روانسنجی آن در دو مطالعه مستقل بررسی شد. در مطالعه اول، ۸۰ دانشجو (۵۰ دختر و ۳۰ پسر) و در مطالعه دوم، ۵۰۰ دانشجو (۳۲۳ دختر، ۱۷۷ پسر) با استفاده از نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. اعتبار نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای از طریق آلفای کرونباخ بازآزمایی بررسی شد و همچنین همبستگی مجموعه ماده و روایی آن از طریق تحلیل عاملی تأییدی و روایی ملاکی بررسی شد. **یافته‌ها:** دامنه ضرایب آلفای کرونباخ (۰/۷۴-۰/۸۸) و دامنه همبستگی مجموعه ماده (۰/۴۱-۰/۷۰) بر اساس متغییر جنسیت و ضرایب بازآزمایی (۰/۶۷-۰/۷۳) پیشنهاد کرد که مقیاس یک اعتبار مطلوب دارد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برازش قابل قبول با مقیاس دو عاملی اصلی را نشان داد. همچنین الگوی ضرایب روایی ملاکی یک روایی خوب را نشان داد. **نتیجه‌گیری:** در مجموع نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای یک ابزار معتبر و روا برای تحقیقات نوروسایکولوژی، غربالگری پژوهشی، تشخیصی و درمانی است.

کلید واژه‌ها:

۱. تسلط مغزی
۲. روانسنجی
۳. مغز

* نویسنده مسئول: جعفر حسنی

آدرس الکترونیکی: hasanimehr57@yahoo.com

مقدمه

عنوان ترجیح نیمکره‌ای^۶ نامیده می‌شود (۱۳). ترجیح پردازش‌های شناختی مبتنی بر نیمکره راست دلالت بر تکیه غالب بر نیمکره راست دارد، برعکس ترجیح مبتنی بر پردازش‌های شناختی نیمکره چپ بیانگر تکیه غالب بر نیمکره چپ است.

هر چند منشاء ناقرینگی زیستی و تخصص یافتگی کارکردی نیمکره‌ها هنوز به صورت دقیق مشخص نشده است (۱۴، ۱۵) ولی در این زمینه پژوهش‌های مختلفی به بررسی ثبات (۱۶)، نوسانات کوتاه‌مدت و بلندمدت (۱۷-۱۹)، روابط بالینی (۲۰-۲۲) و تفاوت‌های فردی (۲۳، ۲۴) در زمینه ناقرینگی و جانبی شدن مغز پرداخته‌اند. در این راستا با اتخاذ دیدگاه انتقادی می‌توان ادعان داشت که نیمکره‌های مغز در خیلی از زمینه‌های کارکردی و زیستی کاملاً تخصصی و جانبی شده عمل می‌کند. این فرایندهای مبتنی بر تخصص یافتگی تلویحات بنیادی در حوزه‌های کاربردی و پژوهشی خواهد داشت. بر همین اساس، تدوین ابزارهای مناسب در قلمرو جانبی شدن و تخصص یافتگی و بررسی اعتبار^۷ و روایی^۸ آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود. در این حوزه، زنهاوسرن^۹ یک آزمون کاغذ مدادی را برای بررسی تفاوت‌های فردی در ترجیح نیمکره‌ای مبتنی بر فرایندهای شناختی تدوین نموده و اعتبار و روایی مطلوبی را برای آن گزارش نموده است (۱۳). ماده‌های این مقیاس شناخت‌های نیمکره راست (به‌عنوان مثال، آیا شما به لحاظ هنری و موسیقایی خلاق هستید؟) یا شناخت‌های نیمکره چپ (به‌عنوان مثال، آیا شما در استفاده از لغات ماهر هستید؟) را مورد بررسی قرار می‌دهند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که نمرات آزمون ترجیح نیمکره‌ای با مؤلفه‌های مختلف مانند مهارت‌های خواندن (۲۵)، بازشناسی صورت (۲۶)، یادگیری ماز (۲۷) و علایم نوروتیک (۲۸، ۲۹) مرتبط هستند. علاوه بر این، مرکلباخ^{۱۰} و همکاران در پژوهشی، خصوصیات روانسنجی آزمون ترجیح نیمکره‌ای را مورد بررسی قرار دادند و اعتبار و روایی مطلوبی را گزارش نمودند (۳۰).

در مجموع با استناد به اهمیت و جایگاه مغز در کارکردهای رفتاری و روانشناختی و تخصیص توجه ویژه پژوهشی، درمانی و توانبخشی به فرایند جانبی شدن و تخصص یافتگی، کمبود ابزارهای کاغذ مدادی در این زمینه و نقش تشخیص ترجیح نیمکره‌ای در حوزه‌های مختلف پژوهشی و مداخلاتی، بررسی خصوصیات روانسنجی و ساختار عاملی آزمون ترجیح نیمکره‌ای را در جامعه ایرانی ضروری می‌نماید. بر همین اساس، پژوهش حاضر در پی تهیه نسخه فارسی

مغز به‌عنوان یک سیستم مرموز و فرمانروای مطلق بدن، کارکردهای متفاوتی را مدیریت می‌کند. یکی از مباحث اصلی در زمینه کارکردهای مغز، بررسی نقش ساختارهای مختلف آن در طیف وسیعی از فرایندهای ساده و پیچیده نظیر استدلال، تفکر، بینش، قضاوت و زبان می‌باشد. در این حوزه پژوهشی، سؤال مهم و اساسی این است که نحوه مدیریت و پردازش کارکردهای حیاتی و مهم توسط ساختارهای مغزی چگونه است؟ در پاسخ به این سؤال، متخصصان نوروسیکولوژی^۱ به مفهوم ناقرینگی^۲ و جانبی شدن^۳ متوسل شده‌اند. ناقرینگی به تفاوت‌های ساختاری و فیزیولوژی دو نیمکره مغز اطلاق می‌شود و جانبی شدن که در سطح کارکردهای روانشناختی و رفتاری اتفاق می‌افتد، پیامد ناگزیر فرایند ناقرینگی است. جانبی شدن در سطح دست، پا، چشم و گوش به وضوح قابل مشاهده است و در برخی از مؤلفه‌ها مانند زبان، تفکر و هیجان اوضاع اندکی پیچیده است.

افزون بر موارد فوق، مطالعات و شواهد تجربی نشان می‌دهند که تخصص یافتگی‌های کارکردی^۴ متفاوت، در فرایند پردازش اطلاعات حسی نیمکره راست و چپ مغز وجود دارد (۱). در این راستا، فرض بر این است که تقسیم وظایف بین دو نیمکره مغز واجد مزیت انطباقی تکاملی مبتنی بر افزایش کارایی نوروئی است (۲) که هم در جانداران مهره‌دار (۳، ۴) و هم در غیر مهره‌دار (۵) مشاهده شده است. علاوه بر این، جانبی شدن و تخصص یافتگی در سطح مغز زمینه را برای پردازش موازی و تخصصی در سطح کارکردها فراهم می‌نماید و از شروع هم‌زمان واکنش‌ها و دوباره‌کاری کارکردی در نیمکره‌ها پیشگیری می‌کند (۶-۸). بنابراین می‌توان گفت که جانبی شدن و تخصص یافتگی مغزی زمینه‌ساز سازش یافتگی مطلوب و تسهیل فرایندهای مختلف رفتاری است. در گستره فعلی متون عصب روانشناختی این موضوع پذیرفته شده است که نیمکره‌های مغزی کارکردهای شناختی متفاوتی دارند، هرچند مفهوم تخصص یافتگی نیمکره‌ای^۵ در چارچوب شواهد ناقرینگی بهتر درک می‌شود (۹). در این راستا اعتقاد بر این بوده است که نیمکره چپ عمدتاً کلامی و مبتنی بر تفکر تحلیلی می‌باشد در حالی که نیمکره راست تصوری و مبتنی بر فرایندهای فکری کل‌نگر است (۹، ۱۰). علاوه بر این مؤلفان پیشنهاد نموده‌اند که تفاوت‌های پایدار بین افراد در میزان تکیه بر فرایندهای شناختی نیمکره مغز وجود دارد (۱۱، ۱۲). به عبارت دیگر برخی از افراد، سبک شناختی نیمکره راست و برخی سبک شناختی نیمکره چپ را ترجیح می‌دهند. این مفروضه تحت

¹ Neuropsychology

² Asymmetry

³ Lateralization

⁴ Functional specialization

⁵ Hemispheric specialization

⁶ Hemispheric preference

⁷ Reliability

⁸ Validity

⁹ Zenhauser

¹⁰ Merckelbach

تفکر مبتنی بر نیمکره راست و ده ماده بیانگر شیوه تفکر مبتنی بر نیمکره چپ هست. نمره گذاری بر اساس طیف لیکرت ۱۰ تایی از ۱ (هرگز) تا ۱۰ (همیشه) انجام می شود. برای به دست آوردن شاخص ترجیح نیمکره‌ای، میانگین نمرات ماده‌های نیمکره چپ از میانگین نمرات ماده‌های نیمکره راست کم می شود. نمره اختلافی محاسبه شده مثبت، نشان دهنده ترجیح بیشتر شناخت‌های نیمکره راست است در حالی که نمره اختلافی منفی بیانگر ترجیح قوی تر شناخت‌های نیمکره چپ می باشد.

به منظور تهیه نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای از روش ترجمه مضاعف^{۱۱} استفاده شد. ابتدا پرسشنامه توسط دو متخصص آشنا به متون نوروپسکولوژی به صورت مستقل به فارسی ترجمه شد. دو ترجمه پس از نشست مشترک و رفع چالش‌های موجود به فرم واحد تبدیل شد و سپس توسط یک نفر متخصص ادبیات زبان فارسی و یک متخصص نوروپسکولوژی مورد بازبینی قرار گرفت و ایرادهای موجود رفع شد. در مرحله بعد، نسخه ترجمه شده توسط یک نفر متخصص زبان انگلیسی به صورت مجدد به انگلیسی برگردانده شد. پس از مطابقت نسخه ترجمه شده و نسخه اصلی، اشکالات موجود رفع و پرسشنامه آماده بهره‌برداری گردید. قبل از اجرای اصلی، نسخه آماده شده در قالب یک مطالعه مقدماتی^{۱۲} بر روی ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه خوارزمی اجرا شد. هدف مطالعه مقدماتی، گرفتن بازخورد از شرکت کننده‌ها درباره دستورالعمل پرسشنامه، درک محتوای سؤال‌ها و رفع ایرادهای احتمالی در گویه‌ها بود.

ب- پرسشنامه دست برتری واترلو (فرم تجدید نظر شده)

پرسشنامه دست برتری واترلو (فرم تجدید نظر شده)^{۱۳} ۳۹ ماده دارد که ۳۶ ماده آن مربوط به فعالیت‌های دست می باشد و سه ماده دیگر اطلاعات و توضیحات اضافی را فراهم می کند. این پرسشنامه در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای به صورت (+۲ تا -۲) نمره گذاری می شود. دامنه تغییرات نمرات کل پرسشنامه ۷۲- تا +۷۲ می باشد. پرسشنامه دست برتری واترلو توسط استنیوس^{۱۴} و بریدن^{۱۵} تدوین شده است (۳۱). در فرهنگ

آزمون ترجیح نیمکره‌ای و بررسی خصوصیات روانسنجی آن در جامعه ایران برآمده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با توجه به بررسی خصوصیات روانسنجی یک مقیاس و روش گردآوری داده‌ها به طرح‌های همبستگی تعلق دارد. این پژوهش شامل دو مطالعه جداگانه بود. جامعه آماری هر دو مطالعه، دانشجویان دانشگاه خوارزمی تهران در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ بودند. شرکت کننده‌های مطالعه اول پژوهش ۸۰ نفر (۵۰ دختر و ۳۰ پسر) از دانشجویان مقطع کارشناسی بودند که به شیوه داوطلبانه انتخاب شدند و در یک بازه زمانی هشت هفته‌ای دو بار نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای را تکمیل نمودند. لازم به ذکر است که هیچ نوع اطلاعاتی در زمینه اجرای دوباره آزمون به آن‌ها داده نشده بود. در مطالعه دوم با توجه به تعداد ماده‌های مقیاس و جدول مورگان، ۵۰۰ نفر از دانشجویان به شیوه نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ۹۲ نفر (۱۸٪) از شرکت کننده‌ها متأهل بودند. از نظر سطح تحصیلات ۳۰۴ نفر (۶۱٪) کارشناسی، ۱۰۹ نفر (۲۲٪) کارشناسی ارشد و ۸۷ نفر (۱۷٪) دارای تحصیلات دکتری بودند. در انتخاب آزمودنی‌ها ملاک‌های ورود و خروج زیر در نظر گرفته شد: ۱- دامنه سنی ۱۸ تا ۴۰ سال ۲- عدم وجود سابقه دارو درمانی روانپزشکی ۳- نداشتن خویشاوند درجه اول مبتلا به اختلال اسکیزوفرنی کمتر از دو سال ۴- فقدان سابقه آسیب مغزی یا ضربه سر ۵- فقدان اختلال‌های عضوی ۶- عدم وجود سابقه مصرف مواد. همچنین هیچ‌یک از آزمودنی‌ها بر اساس گزارش شخصی، سابقه مراجعه به روان‌پزشک یا روان‌شناس را نداشتند. سایر خصوصیات شرکت کننده‌های پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

ابزارهای پژوهش

الف- نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای

این مقیاس خودگزارشی توسط زنهاوسرن تدوین شده است و برای بررسی ترجیح فرد برای شناخت‌های نیمکره راست در برابر نیمکره چپ استفاده می شود. این مقیاس ۲۰ ماده دارد که ده ماده آن بیانگر شیوه

جدول ۱- خصوصیات توصیفی و جمعیت‌شناختی شرکت کننده‌های پژوهش.

مطالعه	گروه	تعداد	سن میانگین + انحراف استاندارد	میانگین ± انحراف استاندارد	هدف
مطالعه ۱	دختر	۵۰	۲۱/۴۸ (۲/۲۶)	۱۴/۶۶ (۲/۲۵)	تعیین اعتبار بازآزمایی
	پسر	۳۰	۲۰/۸۹ (۲/۱۵)	۱۳/۹۵ (۲/۷۵)	
	کل	۸۰	۲۱/۱۸ (۲/۲۰)	۱۴/۳۰ (۲/۵۰)	
مطالعه ۲	دختر	۳۲۳	۲۳/۷۴ (۵/۱۲)	۱۵/۸۲ (۵/۲۸)	۱) تجزیه و تحلیل ماده ۲) تعیین همسانی درونی ۳) تعیین روایی سازه و ملاکی
	پسر	۱۷۷	۲۴/۱۵ (۴/۸۵)	۱۶/۶۵ (۵/۱۸)	
	کل	۵۰۰	۲۳/۹۴ (۰/۹۸)	۱۶/۲۳ (۵/۲۳)	

¹¹ Double translation

¹² Pilot study

¹³ Waterloo handedness questionnaire- revised

¹⁴ Steenhuis

¹⁵ Bryden

انحراف استاندارد هر سؤال، ضریب تشخیص سؤال‌ها (ضریب همبستگی هر سؤال با خرده مقیاس مرتبط و نمره کل مجموعه ۲۰ سؤالی) و ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف هر سؤال محاسبه شد. ضریب اعتبار (آلفای کرونباخ) کل مقیاس ۰/۹۲ بود. ضرایب تشخیص سؤال‌ها نشان داد که تمام سؤال‌ها، همبستگی قابل قبولی با نمره کل مقیاس و خرده مقیاس‌های مرتبط دارند و نیاز به حذف هیچ‌یک از ماده‌ها نیست.

اعتبار نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای از طریق همسانی درونی^{۱۹}، همبستگی‌های مجموعه ماده^{۲۰} و ثبات^{۲۱} بررسی شد. به‌منظور بررسی همسانی درونی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. همبستگی‌های مجموعه ماده (همبستگی یک ماده با نمره کل مقیاس مربوط بدون اضافه کردن ماده) برای بررسی این نکته که کدام ماده با کدام خرده مقیاس برآزش خوبی دارد، مورد استفاده قرار گرفت و جهت بررسی ثبات مقیاس از ضرایب بازآزمایی^{۲۲} بهره گرفته شد. نتایج حاصل در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضرایب آلفای کرونباخ به لحاظ روانسنجی رضایت‌بخش و بیانگر همسانی درونی مطلوب مقیاس است. همچنین، دامنه همبستگی‌های مجموعه ماده بیشتر از ۰/۴ می‌باشد و ضرایب بازآزمایی، دلالت بر ثبات خوب مقیاس دارند. بنابراین می‌توان گفت که نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای از اعتبار مطلوبی برخوردار است.

ب- روایی

روایی نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای با استفاده از تحلیل عاملی و روایی ملاکی مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور بررسی میزان برآزش ساختار عاملی نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای با مقیاس اصلی از تحلیل عاملی تأییدی با روش حداکثر درست‌نمایی^{۲۳} در سطح ماتریس وارپانس کواریانس استفاده شد (۳۴). جهت برآزش کامل مدل با داده‌ها سعی شد با آزاد

جدول ۲- ضرایب آلفای کرونباخ، دامنه همبستگی‌های مجموعه ماده و ضرایب بازآزمایی خرده مقیاس‌های نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای (۰/۰۱ < P < ***).

ضرایب بازآزمایی	دامنه همبستگی‌های مجموعه ماده			آلفای کرونباخ			خرده مقیاس
	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	
*** ۰/۷۵	۰/۴۰-۰/۶۱	۰/۴۵-۰/۶۱	۰/۴۱-۰/۷۰	۰/۸۰	۰/۷۶	۰/۷۴	ترجیح نیمکره راست
*** ۰/۶۷	۰/۵۰-۰/۵۸	۰/۴۲-۰/۶۳	۰/۵۱-۰/۶۸	۰/۷۸	۰/۷۹	۰/۸۱	ترجیح نیمکره چپ
*** ۰/۷۳	۰/۵۰-۰/۶۲	۰/۴۱-۰/۶۰	۰/۴۷-۰/۶۶	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۸	تفاوت دو نیمکره (شاخص ترجیح نیمکره‌ای)

¹⁶ Waterloo footedness questionnaire- revised

¹⁷ Confirmatory factor analysis

¹⁸ Item analysis

¹⁹ Internal consistency

²⁰ Item rest correlations

²¹ Stability

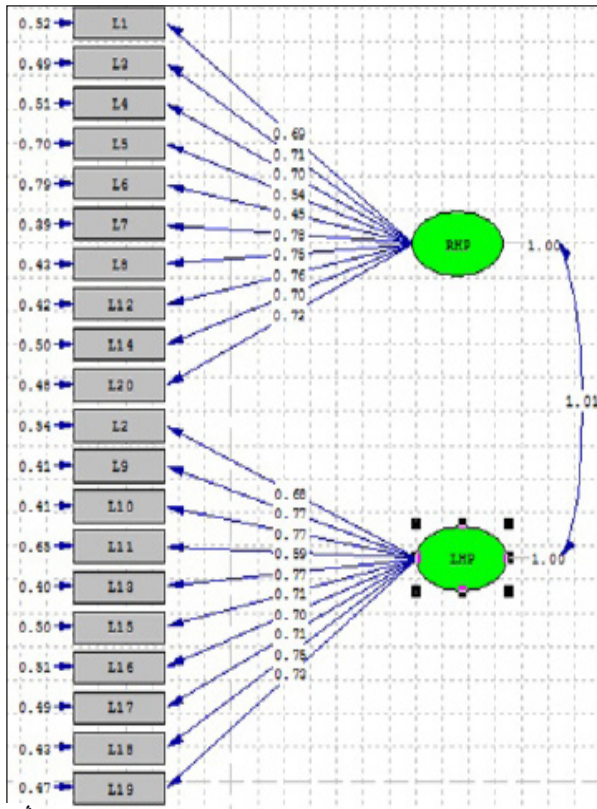
²² Test-retest

²³ Maximum likelihood method

جدول ۳- شاخص‌های برازش تحلیل عامل تأییدی نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای.

مجدورخی	df	CFI	NFI	RFI	GFI	SRMR	REMSEA
۳۳۹/۰۸	۱۲۰	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۸۲	۰/۰۵۵	۰/۰۵۸

شماره ۱



شماره ۲

تصویر ۱- نمودار ضرایب مسیر ساختار عاملی تأییدی نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای.

جدول ۴- ضرایب استاندارد و شاخص T تحلیل عاملی تأییدی نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای.

خرده مقیاس	ماده	ضرایب استاندارد	شاخص T
ترجیح تیمکره راست	۱	۰/۶۹	۱۴/۶۳
	۲	۰/۷۱	۱۵/۱۶
	۴	۰/۷۰	۱۴/۸۱
	۵	۰/۵۴	۱۰/۸۳
	۶	۰/۴۵	۸/۸۰
	۷	۰/۷۸	۱۷/۲۰
	۸	۰/۷۵	۱۶/۴۰
ترجیح نیمکره چپ	۱۲	۰/۷۶	۱۶/۷۳
	۱۴	۰/۷۰	۱۴/۹۵
	۲۰	۰/۷۲	۱۵/۵۰
	۲	۰/۶۸	۱۴/۳۴
	۹	۰/۷۷	۱۶/۹۷
	۱۰	۰/۷۷	۱۶/۹۳
	۱۱	۰/۵۹	۱۲/۰۵
	۱۳	۰/۷۷	۱۷/۱۰
	۱۵	۰/۷۱	۱۵/۱۳
	۱۶	۰/۷۰	۱۴/۸۳
	۱۷	۰/۷۱	۱۵/۳۷
	۱۸	۰/۷۵	۱۶/۴۷
۱۹	۰/۷۳	۱۵/۶۷	

شماره ۳

کردن برخی پارامترها بر اساس شاخص‌های تعدیل، مدل بهبود یابد. بدین منظور، بر مبنای شاخص‌های پیشنهادی مدل، زیربنای نظری آزمون ترجیح نیمکره‌ای و در نظر گرفتن همبستگی بین عامل‌های به دست آمده، پارامترهای متعددی آزاد شد. نمودار مسیر تحلیل عاملی تأییدی بعد از آزاد شدن این پارامترها همراه با ضرایب مسیر و شاخص‌های برازش اولیه در تصویر ۱ ملاحظه می‌شود.

در مرحله بعد، برازندگی الگو بر اساس شاخص مجذور خی، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)^{۲۴}، شاخص هنجارشده برازندگی (NFI)^{۲۵}، شاخص برازندگی نسبی (RFI)^{۲۶}، ریشه استاندارد باقی‌مانده مجذور میانگین (SRMR)^{۲۷}، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)^{۲۸} و شاخص نیکویی برازش (GFI)^{۲۹} مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن‌ها در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

شاخص‌های برازندگی تطبیقی، برازندگی هنجارشده، برازندگی نسبی و نیکویی برازش هر چقدر نزدیک به یک باشد بیانگر برازش مطلوب الگو است. هر چند برای بررسی نیکویی برازش معمولاً از شاخص مجذور خی استفاده می‌شود ولی مجذور خی با افزایش حجم نمونه و درجه آزادی افزایش می‌یابد. بنابراین، با توجه به اعداد جدول ۳ و ضرایب استاندارد شده و شاخص T می‌توان گفت که مدل تأییدی از برازش قابل قبولی برخوردار است. در جدول ۴ نتایج تحلیل عاملی تأییدی مشاهده می‌شود.

به‌منظور بررسی روایی ملاکی نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای از روایی هم‌زمان (اجرای هم‌زمان با پرسشنامه دست برتری و پا برتری واترلو) استفاده شد. در جدول ۵ ماتریس ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌های نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای با مؤلفه‌های پرسشنامه دست برتری و پا برتری واترلو مشاهده می‌شود.

الگوی ضرایب همبستگی خرده مقیاس‌ها با مؤلفه‌های دست برتری و پا برتری بیانگر روایی ملاکی هم‌زمان مطلوب نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای است.

²⁴ Comparative fit index

²⁵ Normed fit Index

²⁶ Relative fit Index

²⁷ Standardized root mean square residual

²⁸ Root mean square error of approximation

²⁹ Goodness of fit index

جدول ۵- ضرایب همبستگی خرده مقیاس‌های نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای با دست برتری و پا برتری ($P < 0.001$).

پا برتری		دست برتری		خرده مقیاس
چپ برتری	راست برتری	چپ برتری	راست برتری	
۰/۰۷	***۰/۴۲	-۰/۰۴	***۰/۳۸	ترجیح نیمکره راست
***۰/۵۹	۰/۰۲	***۰/۴۸	۰/۰۶	ترجیح نیمکره چپ

شماره

بحث و نتیجه‌گیری

مجدورات تقریب را توصیه نموده‌اند (۳۵). به اعتقاد شرمیله/انگل^{۳۲} و همکاران مقادیر ریشه استاندارد باقی‌مانده مجذور میانگین بین ۰ تا ۰/۰۵ بیانگر برآزش خوب و ۰/۰۵ تا ۰/۱۰ بیانگر برآزش قابل قبول مدل می‌باشد (۳۶). همچنین مقادیر ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب بین ۰ تا ۰/۰۵ بیانگر برآزش خوب و ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ بیانگر برآزش قابل قبول است. در مجموع، این نتایج با زیر بنای نظری و پیشینه نظری نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای مطابقت دارد.

در مجموع اعتبار و روایی مناسب نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای، بررسی کارکردی ساختارهای مغزی، سهولت اجرا، قابلیت کاربرد در موقعیت‌ها و گروه‌های مختلف، زمینه‌ساز استفاده وسیعی از نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای، در گستره‌های مختلف پژوهشی و بالینی نوروپسیکولوژی و سایر زمینه‌های روانشناسی است. در انتها باید توجه داشت که انتخاب شرکت کننده‌ها از دانشجویان، تأکید بر داده‌های خودگزارشی و عدم بررسی فیزیولوژیک ساختارهای مغز از محدودیت‌های عمده پژوهش حاضر است. بنابراین استفاده از نمونه‌های شناخته شده‌تر در جمعیت عمومی، بهره‌گیری از جمعیت‌های بالینی جهت بررسی روایی تفکیکی و سایر روش‌های اندازه‌گیری نظیر شاخص‌های فیزیولوژیک، مصاحبه‌های بالینی ساختار یافته، درجه‌بندی توسط همسالان و خانواده یا سنجش رفتاری می‌تواند به غنای پژوهشی و کاربردی این حوزه کمک شایانی نماید.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر با حمایت مالی دانشگاه خوارزمی انجام شده است.

هدف پژوهش حاضر تهیه نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای و بررسی خصوصیات روانسنجی بود. در پیشینه پژوهشی، نتایج بررسی‌ها مؤید این است که تخصص یافتگی و جانبی شدن در سطح نیمکره‌های مغز مشاهده می‌شود (۱) و این فرایند منجر به پردازش مطلوب و اثر بخش در سطح نیمکره‌ها می‌شود (۸-۶). علاوه بر این، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تفاوت‌های مذکور در فرایندهای شناختی نیمکره مغز نیز قابل مشاهده است (۱۲، ۱۱). نتایج پژوهش نشان داد که نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای دارای اعتبار مناسبی است زیرا آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌ها از نظر روانسنجی در حد مطلوب بود و روابط درونی ماده‌ها با یکدیگر رضایت‌بخش محاسبه شد. یافته‌های مذکور با نتایج مقیاس اصلی (۱۳) و یافته‌های پژوهش مرکلباخ و همکاران همسو می‌باشد (۳۰) و بیانگر همسانی درونی و ثبات مطلوب خرده مقیاس‌های نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای است. نتایج پژوهش حاضر از منظر ساختار عاملی تأییدی و روایی هم‌زمان نشان دهنده روایی سازه مطلوب نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای بود. یافته‌ها نشان داد که توزیع ماده‌های نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای با آزمون اصلی مطابقت دارد. همچنین الگوی همبستگی مشاهده شده بین خرده مقیاس‌های نسخه فارسی آزمون ترجیح نیمکره‌ای با دست برتری و پا برتری بیانگر خصوصیات افتراقی مطلوب مقیاس هست. به همین خاطر هو^{۳۰} و بنتلر^{۳۱} استفاده از دو شاخص برآزندگی ریشه استاندارد باقی‌مانده مجذور میانگین و ریشه خطای میانگین

منابع

1. Toga AW, Thompson PM. Mapping brain asymmetry. *Nat Rev Neurosci*. 2003; 4(1): 37-48.
2. Corballis MC. The evolution and genetics of cerebral asymmetry. *Philos Trans R Soc Lond B Biol Sci*. 2009; 364(1519): 867-79.
3. MacNeilage PF, Rogers LJ, Vallortigara G. Origins of the left & right brain. *Sci Am*. 2009; 301(1): 60-7.
4. Rogers LJ, Andrew R. Comparative vertebrate lateralization. 1st ed. Cambridge University Press. 2002.
5. Frasnelli E, Vallortigara G, Rogers LJ. Left-right asymmetries of behaviour and nervous system in invertebrates. *Neurosci Biobehav Rev*. 2012; 36(4): 1273-91.
6. Rogers LJ, Zucca P, Vallortigara G. Advantages of

³⁰ Hu L

³¹ Bentler

³² Schermelleh/Engel

- having a lateralized brain. *Proc Biol Sci.* 2004; 271(6): S420-S2.
7. Tommasi L. Mechanisms and functions of brain and behavioural asymmetries. *Philos Trans R Soc Lond B Biol Sci.* 2009; 364(1519): 855-9.
8. Vallortigara G, Rogers LJ. Survival with an asymmetrical brain: advantages and disadvantages of cerebral lateralization. *Behav Brain Sci.* 2005; 28(4): 575-88.
9. Iaccino JF. *Left Brain–Right Brain Differences: Inquiries, Evidence, and New Approaches.* 1st ed. Psychology Press. 1993.
10. Springer SP, Deutsch G. *Left brain, right brain:* JSTOR. 1993.
11. Galin D, Ornstein R. Individual differences in cognitive style--I. Reflective eye movements. *Neuropsychologia.* 1974; 12(3): 367-76.
12. Tous J, Fusté A, Vidal J. Hemispheric specialization and individual differences in cognitive processing. *Pers Individ Dif.* 1995; 19(4): 463-70.
13. Zenhausern R. Imagery, cerebral dominance, and style of thinking: a unified field model. *Bull Psychon Soc.* 1978; 12(5): 381-4.
14. Hugdahl K. Lateralization of cognitive processes in the brain. *Acta Psychol (Amst).* 2000; 105(2): 211-35.
15. Ocklenburg S, Beste C, Arning L, Peterburs J, Güntürkün O. The ontogenesis of language lateralization and its relation to handedness. *Neurosci Biobehav Rev.* 2014; 43: 191-8.
16. Voyer D. Reliability and magnitude of perceptual asymmetries in a dichotic word recognition task. *Neuropsychology.* 2003; 17(3): 393-401.
17. Bayer U, Hausmann M. Estrogen therapy affects right hemisphere functioning in postmenopausal women. *Horm Behav.* 2009; 55(1): 228-34.
18. Cabeza R. Hemispheric asymmetry reduction in older adults: the HAROLD model. *Psychol Aging.* 2002; 17(1): 85-100.
19. Mohr C, Michel CM, Lantz G, Ortigue S, Viaud-Delmon I, Landis T. Brain state-dependent functional hemispheric specialization in men but not in women. *Cereb Cortex.* 2005; 15(9): 1451-8.
20. Eyler LT, Pierce K, Courchesne E. A failure of left temporal cortex to specialize for language is an early emerging and fundamental property of autism. *Brain.* 2012; 135(3): 949-60.
21. Grimshaw GM, Carmel D. An asymmetric inhibition model of hemispheric differences in emotional processing. *Front Psychol.* 2014; 5: 489. doi: 10.3389/fpsyg.2014.00489.
22. Mitchell RL, Crow TJ. Right hemisphere language functions and schizophrenia: the forgotten hemisphere? *Brain.* 2005; 128(5): 963-78.
23. Mikheev M, Mohr C, Afanasiev S, Landis T, Thut G. Motor control and cerebral hemispheric specialization in highly qualified judo wrestlers. *Neuropsychologia.* 2002; 40(8): 1209-19.
24. Nicholls M, Orr C, Lindell A. Magical ideation and its relation to lateral preference. *Laterality.* 2005; 10(6): 503-15.
25. Oexle JE, Zenhausern R. Differential hemispheric activation in good and poor readers. *Int J Neurosci.* 1981; 15(1-2): 31-6.
26. Thompson WB, Mueller JH. Face memory and hemispheric preference: emotionality and extraversion. *Brain Cogn.* 1984; 3(3): 239-48.
27. Zenhausern R, Nickel L. Hemispheric dominance and maze learning. *Bull Psychon Soc.* 1979; 14(6): 435-6.
28. de Jong PJ, Merckelbach H, Nijman H. Hemisphere preference, anxiety, and covariation bias. *Pers Individ Dif.* 1995; 18(3): 363-71.
29. Merckelbach H, Muris P, Jong Pd. Hemisphere preference, phobia, and depression. *Int J Neurosci.* 1990; 55(2-4): 119-23.
30. Merckelbach H, Muris P, Pool K, De Jong PJ, Schouten E. Reliability and validity of a paper-and-pencil test measuring hemisphere preference. *Eur J Pers.* 1996; 10(3): 221-31.
31. Steenhuis RE, Bryden MP. Different dimensions of hand preference that relate to skilled and unskilled activities. *Cortex.* 1989; 25(2): 289-304.
32. Hasani J. The effect of reappraisal and detumescence of emotional experience on brain zonal activity with regarded to extraversion and neuroticism dimensions [In Persian] [Unpublished PhD Dissertation]. Tehran: Tarbiat Modares University. 2008.

33. Bryden PJ, Pryde KM, Roy EA. A performance measure of the degree of hand preference. *Brain Cogn.* 2000; 44(3): 402-14.
34. Joreskog K, Sorbom D. LISREL 8.54 for Windows. Computer software] Lincolnwood, IL: Scientific Software International. 2003.
35. Hu Lt, Bentler PM. Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Struct Equ Modeling.* 1999 ; 6(1): 1-55.
36. Schermelleh-Engel K, Moosbrugger H, Müller H. Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. *Methods of psychological research online.* 2003; 8(2): 23-74.